

### **Assess the Chinese government's politico-security considerations for Xinjiang Muslims**

#### **Abstract :**

Xinjiang Muslims can be considered one of the most important considerations of the Chinese government's internal security, which has also affected the country's foreign and security policy. Although this issue is influenced by the social identity of the Muslims in the region and the Chinese government's policy of "assimilation and integration", the security and political priority of this issue in China is not only affected by its internal conditions but also by regional conditions. International also plays a prominent role in prioritizing it. In this regard, the situation in the Central Asian region after the collapse of the Soviet Union in 1991 has had a direct impact on China's security priorities in the Xinjiang region. In fact, although Beijing was the second emerging power after Moscow to put the full development of its relations with these newly independent republics primarily on the political and security fronts and secondarily on economic and cultural issues. But at the same time, it was affected by the internal challenges and harms of these countries. The findings of this descriptive-analytical study show the proximity of Xinjiang region and the identity and cultural closeness of its inhabitants with the Central Asian tribes, separatist movements, religious extremism, terrorism and drug trafficking in the field of sensitivity and Beijing has been strict about the political and security issues of the region and its Muslims..

**Keywords:** Xinjiang, China, Central Asia, Islamic fundamentalism.

**ارزیابی ملاحظات سیاسی - امنیتی دولت چین در قبال مسلمانان سین کیانگ**داوود میرزایی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۸/۰۶/۱۴۰۰

مهدی جاودانی مقدم<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۱۴۰۱

رضا پریزاد<sup>۳</sup>**چکیده :**

مسلمانان سین کیانگ را می توان یکی از مهمترین ملاحظات امنیت داخلی دولت چین به حساب آورد که بر سیاست خارجی و امنیتی این کشور نیز تاثیر گذاشته است. این مساله، اگر چه تحت تاثیر هویت اجتماعی مسلمانان این منطقه و سیاست "همگون سازی و ادغام گرایی" دولت چین قرار دارد اما باین وجود، اولویت امنیتی و سیاسی این موضوع در چین، تنها متأثر از شرایط داخلی آن نیست بلکه شرایط منطقه ای و بین المللی نیز نقش برجسته ای در اولویت بخشی به آن دارد. در این زمینه، وضعیت منطقه آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، تأثیر مستقیمی بر اولویت های امنیتی چین در منطقه سین کیانگ داشته است. در واقع، اگرچه پکن بعد از مسکو، دومین قدرت نوظهور بود که توسعه همه جانبه روابط خود با این جمهوری های تازه استقلال یافته را در درجه اول از حیث سیاسی و امنیتی و در درجه دوم از منظر مسائل اقتصادی و فرهنگی، در دستور کار خود قرار داد اما همزمان، تحت تاثیر چالش ها و آسیب های داخلی این کشورها نیز قرار گرفت. یافته های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته نشان می دهد همجواری منطقه سین کیانگ و قرابت و نزدیکی هویتی و فرهنگی ساکنان آن با اقوام آسیای مرکزی، حرکت های جدایی طلبانه، افراطی گری مذهبی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر زمینه حساسیت و سختگیری پکن نسبت به مسایل سیاسی و امنیتی این منطقه و مسلمانان آن را بوجود آورده است.

**واژگان کلیدی :** سین کیانگ، چین، آسیای مرکزی، بنیادگرایی اسلامی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسوول) Javdani@isu.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

منطقه سین کیانگ که در شمال غربی کشور جمهوری خلق چین واقع شده است، با مساحتی بیش از ۱/۶۶ میلیون کیلومتر مربع (۱۷ درصد مساحت چین)، مرکز اوراسیا محسوب می شود. این استان، بزرگترین استان چین به حساب می آید که با هشت کشور مغولستان، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان هم مرز است. در واقع سین کیانگ پلی برای ارتباط اوراسیا، کانال تبادلات تمدنی و جاده ابریشم بوده که شرق باستانی را به ممالک غرب متصل می کرده است. این منطقه در سال ۶۰ قبل از میلاد، رسماً به نقشه قلمروی خاندان پادشاهی «هان» ضمیمه شد و در سال ۱۸۸۴ میلادی، دولت مرکزی چین، سین کیانگ را به عنوان نام رسمی این استان اعلام کرد و این نام به طور رسمی جایگزین نام باستانی «شیو» گشت. در سال ۱۹۴۹ سین کیانگ به صورت مسالمت آمیز یک منطقه خود مختار در نظر گرفته شد. متعاقب آن در اول اکتبر سال ۱۹۵۵ نیز «منطقه خود مختار اویغوری سین کیانگ» ایجاد شد و امروز سین کیانگ از مجموع ۱۴ شهر و شهرستان تشکیل شده است. ارومچی مرکز سین کیانگ است که بیش از ۳/۵ میلیون نفر جمعیت دارد و بر اساس آمار ارائه شده تا پایان سال ۲۰۱۸، برای استان سین کیانگ جمعیتی نزدیک به ۲۵ میلیون نفر لحاظ شده است که از این میزان ۱۲ میلیون نفر در شهر و مابقی ساکن نواحی روستایی هستند.



سین کیانگ سرشار از منابع معدنی بسیار گسترده به همراه ذخایر بزرگ و چشم اندازی روشن برای توسعه این بخش است. تاکنون ۱۴۲ نوع ماده معدنی کشف شده که ۸۲ درصد کل مواد معدنی کشف شده در چین به حساب می آید. ذخایری مانند نفت، گاز طبیعی، ذغال سنگ، آهن، مس و .... در سین کیانگ یافت می شود. مناظر طبیعی در سین کیانگ منحصر به فرد است قله های یخ زده رشته کوه ها در مقابل دمای آتشین صحرای سین کیانگ حاکی از تنوع اقلیمی و ظرفیت های متنوع آن است. سین کیانگ در جنوب، شمال و

مرکز یادآور جاده ۵ هزار کیلومتری جاده ابریشم است. فرهنگ قومیتی سین کیانگ در واقع ترکیبی از انواع فرهنگ های مردم چین است که ریشه در تمدن چین دارد و در طول سالیان دور شاهد همزیستی فرهنگ های مختلف بوده است. بر اساس مستندات تاریخی سین کیانگ پهنه همزیستی اقوام مختلف بوده است ۱۳ قوم اویغور، هان، قزاق، مغول، هویی، قرقیز، مانچو، شیبه، تاجیک، دانور، ازبک، تاتار و روس در کنار هم زندگی کرده‌اند. در زمان های بسیار قدیم ادیانی ابتدایی مانند شمنیسم، مانی گرایی، زرتشتی و نسطوری در سین کیانگ رواج داشت.

در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میلادی، اسلام در سین کیانگ رواج یافت و به دین فراگیر این منطقه تبدیل شد. بخش قابل توجهی از جمعیت سین کیانگ، مسلمانان اهل سنت با گرایش حنفی هستند و مسائل این منطقه به دلیل سابقه ارزشمندی که در تاریخ اسلام داشته و سال های سال بخش مهمی از سرزمین مسلمانان بوده، همواره مورد توجه مسلمانان جهان و دولت های اسلامی بوده است. سیاست های بسته دولت مرکزی چین در طول سالیان گذشته، درگیری های قومی میان اویغورها و اقوامی همچون قوم «هان» گرایش های استقلال طلبانه اویغورها، نفوذ جریان های افراطی و دخالت های خارجی باعث اختلاف و درگیری دولت مرکزی و استان سین کیانگ طی این سال ها بوده که گاه با سرکوب شدید نظامی حکومت مرکزی همراه بوده است.

در این میان، مسلمانان تحولات عمیق سیاسی در منطقه آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نقش ویژه ای در افزایش حساسیت ها و نگرانی های دولت چین و تنش های آن با مسلمانان این کشور داشته است. در واقع، اگرچه به دنبال استقلال جمهوری های آسیای مرکزی، چین عملاً فروپاشی شوروی را به عنوان فرصتی برای توسعه روابط خود با این دولت ها از جهات مختلف در نظر گرفت اما همجواری آنها با استان سین کیانگ و نزدیکی هویتی و فرهنگی مردم این منطقه با اقوام آسیای مرکزی و حرکت های جدایی طلبانه افراطی گری مذهبی، بر ملاحظات سیاسی - امنیتی چین در قبال مسلمانان این منطقه افزود. در این راستا، دولت چین، امنیت و اقتصاد را به عنوان مهمترین اولویت های گسترش روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی تعریف نمود. همزمان، راهبرد خود در قبال مسلمانان این منطقه را در بُعد داخلی بر گسترش و توسعه اقتصادی منطقه همراه با تغییر ترکیب جمعیتی کنترل و سرکوب هر حرکت جدایی طلبانه و در بُعد خارجی حل و فصل اختلافات مرزی با دولت های آسیای مرکزی، تشکیل سازمان شانگهای و سرمایه گذاری وسیع اقتصادی و فرهنگی با کشورهای منطقه استوار نمود. این مقاله تلاش دارد تا با بررسی ابعاد مختلف ملاحظات سیاسی - امنیتی دولت چین، مهمترین عوامل موثر بر افزایش نگرانی و حساسیت های این کشور در قبال مسلمانان سین کیانگ را مورد ارزیابی قرار دهد. در این چارچوب، در ادامه، ابتدا به بررسی چارچوب نظری پرداخته شده و سپس با تبیین موقعیت جغرافیایی منطقه سین کیانگ، دلایل اهمیت این منطقه برای دولت چین مورد اشاره قرار گرفته و سپس به ملاحظات سیاسی - امنیتی این کشور و راهبرد آن در قبال مسلمانان سین کیانگ مورد ارزیابی قرار می گیرد.

مجاور بودن استان سین کیانگ با آسیای مرکزی و مشابهت های فرهنگی و اجتماعی و قومی با این مناطق و نحوه عملکرد دولت چین در مناسبات با دولت های آسیای مرکزی در قالب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای<sup>۱</sup> قابل تبیین است. مجموعه امنیتی منطقه‌ای در یک نظام بین المللی دارای ساختار آنارشیک که به حد کافی بزرگ و از نظر جغرافیایی پیچیده است. یک زیرساختار مورد انتظار خواهد بود زیرساختاری که در چگونگی عملکرد پویای جهانی مرتبط با قطبش قدرت های بزرگ در نظام بین الملل آثار واسطه مهمی دارد. این امر باعث می شود نظریه مزبور با جریان اصلی رئالیستی و تفکرات لیبرال در نظام بین الملل هم سو و همراه باشد. از منظر دیگر، نظریه ی فوق ریشه های سازنده گرایانه دارد زیرا شکل گیری و عملکرد مجموعه ای امنیتی منطقه ای به الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهای سیستم وابسته است که باعث می شود نظام های منطقه ای به اقدامات و تفاسیر بازیگران و نه صرفاً بازتاب مکانیکی توزیع قدرت وابسته باشد.

اصلی ترین کارکرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای سازماندهی مطالعات تجربی امنیت منطقه ای در یک چارچوب است. نظریه می گوید در چهار سطح تحلیل دنبال چه چیزی باشیم. این ۴ سطح عبارتند از :

۱- در بُعد داخلی در دولت های منطقه و مخصوصاً آسیب پذیری داخلی آنها (دولت قوی است یا ضعیف).

۲- روابط دولت - دولت (که منطقه را آن گونه که هست شکل می دهد).

۳- تعامل منطقه با مناطق همسایه.

۴- نقش قدرت های جهانی در منطقه.

این چهار سطح با هم مجموعه امنیتی را شکل می دهند. نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای ادعا می کند سطح منطقه ای همواره کار می کند اما گاهی می تواند سطح مسلط باشد. این نظریه نمی گوید سطح منطقه ای همیشه باید سیطره داشته باشد اما در یک خوشه امنیتی هر چهار سطح همزمان عمل می کنند (بوزان، ویور، ۱۳۸۸، ص ۶۲-۵۲).

پس از فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای مشترک المنافع و خلاء امنیتی بوجود آمده در آسیای مرکزی و قفقاز، تحت تأثیر شرایط داخلی و خارجی نگرش چین به مسأله امنیت دچار تحول شد. در حالی که در دوره مائو، نظریه واقع گرایی تهاجمی را پیشه ساخته بود و در برهه‌ای دیگر واقعگرایی تدافعی را دنبال می کرد، پس از جنگ سرد نگاهی متفاوت به امنیت را پذیرفت. در نگاه جدید چین به امنیت به مسائل اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سیاسی با هم دنبال می شوند گسترش روابط این کشور با همسایگان خود در آسیای مرکزی بیانگر این دیدگاه است.

تهدید اسلام گرایی، پکن را به گسترش روابط با آسیای مرکزی و حتی دیگر کشورهای مسلمان سوق داد. البته مسایل اقتصادی را نیز در نگاه امنیتی چین در اولویت قرار داد که انرژی و نفت و گاز بُعد مهم این موضوع است. عنصر همکاری مؤلفه اساسی در این نگاه امنیتی چین است. ضمن اینکه کشورهای آسیای مرکزی نیز دیدگاه مشابهی نسبت به تهدیدهای امنیتی مانند چین دارند. همین نگاه مشترک باعث شد که چین هم در رفع نگرانی های امنیتی خود نسبت به سین کیانگ موفق باشد و هم در نفوذ گسترش همکاری

<sup>1</sup> Regional Security Complex Theory

های اقتصادی و اجتماعی در آسیای مرکزی پیشرو باشد همکاری سانگهای تبلور این امکانپذیری است. (خانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۷)

### ۳- موقعیت جغرافیایی مسلمانان چین با تمرکز بر سین کیانگ

سین کیانگ یا شین جیانگ، که در زبان فارسی سنجان هم نامیده می شود. نام ناحیه خود مختار بزرگی در شمال غرب جمهوری خلق چین با وسعتی معادل سه برابر کشور فرانسه است. ترکستان شرقی نامی است که ترک های اویغور یعنی ساکنان بومی و اصلی از آن برای منطقه سین کیانگ استفاده می کنند. مساحت ۱/۶۶ میلیون کیلومتر مربعی این استان حدود یک ششم کل کشور پنهاور چین را در بر می گیرد که آن را جزء یکی از بزرگترین نواحی این کشور قرار داده است. این استان به مرکزیت اورومچی دارای ۵۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه، قزاقستان و تاجیکستان در غرب و افغانستان، پاکستان و هند در جنوب غربی است. از لحاظ بافت جمعیتی وجود تقریباً ۱۸ میلیون اویغور، قزاق و قرقیزی در سین کیانگ موجب شده است. چهارمین جمعیت ترک در جهان پس از کشورهای ترکیه، ایران، ازبکستان و قزاقستان در این منطقه شکل بگیرد. از نظر مذهبی نیز اکثریت قریب به اتفاق این اقلیت قومی را مسلمانان اهل سنت تشکیل می دهند. این بافت جمعیتی، مذهبی و فرهنگی، جامعه اویغورها را سیاست های نامناسب دولت مرکزی چین و نیز برخی تحریکات منطقه ای و بین المللی در دوره های مختلف این مشکلات تبدیل به خشونت ها و ناآرامی های خونین میان اویغورها و دولت مرکزی و در نتیجه گرایش آنها به تجزیه و یا یکپارچگی کشورهای منطقه آسیای مرکزی شده است.

این شرایط به روشنی با الگوهای قومی پیتر هاگت، جغرافیدان برجسته ی انگلیسی همخوانی دارد. هاگت الگوهای دوازه گانه ای را مطرح می کند که در چارچوب آن بهتر می توان درک کرد که عامل مرزبندی های جغرافیایی و نحوه ی پراکندگی اقلیت های قومی چگونه می تواند موجب بروز تنش در یک منطقه شود. از جمله الگوهایی که این جغرافیدان انگلیسی مطرح می کند وجود یک اقلیت قومی زبانی در کنار مرز یک کشور فرضی است. این اقلیت به اکثریت آن سوی مرز علاقمند است تا بارهایی از سلطه قوم اکثریت به قومی ملحق شود که از نظر تاریخی، زبانی، دینی و فرهنگی با او یکی است. وضعیت اقلیت ترکان اویغوری در منطقه سین کیانگ چین در کنار مرز آسیای مرکزی کاملاً با این الگو همخوانی دارد. طی دو دهه ی گذشته، گروه ها و جریان های متعددی در سطح منطقه آسیای مرکزی و سین کیانگ با هدف احقاق مطالبات عمومی و مذهبی ترک های مسلمان اویغور شکل گرفته است. که «جبهه متحد ترکستان شرقی»، «سازمان آزادیبخش اویغورستان»، «گرگ های لب نر»، «سازمان آزادیبخش اویغور»، «خانه جوانان ترکستان شرقی» معروف به حماس سین کیانگ و «کمیته ترکستان شرقی» از جمله مهم ترین این گروه ها به شمار می روند. علاوه بر این گزارش ها و شواهدی متعددی نیز از ارتباط و همکاری احزاب اسلام گرای منطقه آسیای مرکزی نظیر حزب التحریر و حرکت اسلامی ازبکستان با گروه های یاد شده وجود دارد که بیانگر گستردگی پیوندها و تحریکات قومی و مذهبی در دو سوی مرز آسیای مرکزی و چین است. (کوزه گرکالجی، ۱۳۹۴:

بنابراین طبیعی بود که تحرکات ترکیه در منطقه آسیای مرکزی که با حمایت آشکار آمریکا صورت می‌گرفت موجب نگرانی شدید چین شود. نگرانی چین از آنجا ناشی می‌شد که دولت ترکیه پس از فروپاشی شوروی در راستای تحقق اهداف پان ترکیستی، موضوع یکپارچگی کشورهای ترک زبان را مطرح کرد و سلیمان دمیرل، نخست وزیر ترکیه صراحتاً اعلام کرد که «هیچ کس نمی‌تواند کتمان کند که جهان ترک از سواحل دریای آدریاتیک تا دیوارهای چین وجود ندارد».

به همین دلیل، تقویت و حضور بیشتر ترکیه در منطقه آسیای مرکزی با صراحت مورد مخالفت چین قرار گرفت. نگرانی اصلی چین، تأثیر چنین رویکردی بر تقویت جنبش‌های تجزیه طلبانه در منطقه ترک زبان سین کیانگ و تحقق طرح‌هایی چون تشکیل جمهوری ترکستان شرقی بود. بویژه آن که در مقطع ابتدایی دهه ی ۱۹۹۰ رهبر نهضت «جمهوری ترکستان شرقی» در استانبول و تحت حمایت دولت آنکارا زندگی می‌کرد. (کوزه گرکالجی، ۱۳۹۴: ۳۳۲)

در این مقطع سیاست خارجی چین برای مقابله با آمریکا و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی نزدیکی به کشورهای ایران و پاکستان بود که دارای اختلافاتی با ترکیه در منطقه آسیای مرکزی بودند.

#### ۴- دلایل اهمیت سین کیانگ برای چین :

یکی از مؤلفه‌های مهم در سیاست خارجی دولت چین مسئله حاکمیت است تاریخ پرفراز و نشیب چین و هجوم قدرت‌های امپریالیستی به خاک این کشور در قرون گذشته و به زیر کشیدن اندیشه‌ها و تمدن شکوهمند پادشاهی آن، سبب شده تا این کشور همواره از تأسیس جمهوری خلق چین، بر اصل حاکمیت، برابری و عدم دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی خود تأکید وافر داشته باشد. بطوری که در حال حاضر و با وجود اتخاذ رویکرد تعامل گرا، اکثر نخبگان فکری و سیاسی آن معتقدند که چین بر سر هر موضوعی حاضر به مذاکره باشد. در باب مسائل حاکمیتی از هر گونه مذاکره ای امتناع می‌کند و در عین حال تمرکز و تلاش خود را برای اعمال حاکمیت مجدد بر مناطق از دست رفته به کارگرفته است. اقدامات مجدانه‌ی رهبران جدید چین برای بازگرداندن سرزمین‌های از دست رفته ماکائو و هنگ کنگ، در راستای تکمیل پروژه حاکمیت این کشور که از دهه‌ها پیش شروع نموده است، ارزیابی می‌شود.

امروزه مسأله تایوان به عنوان یکی از چالش برانگیزترین موضوعات سیاسی خارجی چین به شمار می‌رود. همچنین در ناحیه ی غرب مسئله سین کیانگ و در قسمت جنوبی مشکلات تبت و در ناحیه دریای جنوبی خود اختلافات بر سر جزایر و آب‌های سرزمینی دست و پنجه نرم می‌کند. همه ی این مسائل و مشکلات که اکثراً ریشه در تاریخ دارد باعث شده تا اصل حاکمیت، اتحاد و یکپارچگی سرزمینی در سیاست خارجی این کشور به یکی از بنیادی ترین اصول سیاست خارجی تبدیل شود.

#### ۵- پیشینه مسأله سین کیانگ و سیاست چین در قبال مسلمانان این منطقه

پس از فروپاشی شوروی، پیدایش چندین همسایه جدید در شمال غرب آسیای مرکزی، بویژه پس از جدی برای دولت چین تبدیل شد. نگرانی آنها به واسطه ی بی ثباتی فزاینده در آسیای مرکزی، بویژه پس از

وقوع جنگ داخلی در تاجیکستان و منازعه‌های قومی در دره‌ی فرغانه ازبکستان تشدید شد. در این شرایط، ظهور اسلام‌گرایی افراطی به یکی از دغدغه‌های مهم چین تبدیل شد. چین بیش از همه از سرایت این موج به استان سین کیانگ و دامن زدن به جدایی طلبی «اویغورها» نگران بود. به این ترتیب در موضوع سین کیانگ، سه مسئله جدایی طلبی، افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم به هم گره خورده اند. (عزیزی، ۱۳۹۵: ۷۰).

سابقه‌ی تاریخی جنبش جدایی طلب در سین کیانگ، به شورش «هوی» در سال‌های (۱۸۷۷-۱۸۶۷) به رهبری یعقوب بیگ بر می‌گردد. همچنین ریشه‌های آن را می‌توان در تشکیل «جمهوری ترک - اسلامی ترکستان شرقی» در نوامبر ۱۹۳۳ یافت که حدود ۵ سال دوام پیدا کرد. در سال ۱۹۴۵ مجدداً این مسأله مطرح شد و این بار حدود ۱ سال دوام آورد. پس از شکست شوروی در افغانستان، شورش در سین کیانگ بار دیگر آغاز شد. پس از فروپاشی شوروی نیز حمله‌های تروریستی در این استان شدت گرفت. اویغورهای ساکن در دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز چندین مورد حمله‌ی تروریستی علیه مقام‌های دیپلماتیک چین ترتیب دادند (Dittmer, 2007: 14).

موضوع دین در سین کیانگ تا دهه‌ی ۱۹۷۰ سیاسی نبود اما پس از آن پیچیده تر و حادث‌تر شد. اسلام سیاسی در سین کیانگ سه مرحله را پشت سر گذاشته است. مرحله‌ی نخست بین اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ بود که طی آن شمار معتقدین به اسلام به سرعت افزایش یافت. فعالیت‌های مذهبی به سرعت توسعه پیدا کرد و جنبش ساخت مساجد به اوج خود رسید. دومین مرحله در نیمه دوم دهه‌ی ۱۹۸۰ روی داد که در آن اسلام‌گرایی افراطی ظهور کرد و با اصول جدایی دین از سیاست به مخالفت برخاست. اسلام‌گرایان تندرو جهاد و دخالت در امور تروریستی را ترغیب کردند. از فعالیت‌های مذهبی به عنوان پوششی برای فعالیت‌های جدایی طلبانه استفاده می‌شد و اسلام‌گرایان تندرو با جدایی طلبان ائتلاف‌هایی را تشکیل دادند. مرحله‌ی سوم، دوره‌ای از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد بود که با نشانه‌هایی از سیاسی کردن مذهب و نیز فعالیت‌های خشونت بار گروه‌های بنیادگرا همراه بوده است. نفوذ بنیادگرایی در سین کیانگ سریعاً گسترش پیدا کرد و تروریست‌ها و اسلام‌گرایان تندرو با هم متحد شدند. در این دوره ترور و شورش بیشتر اتفاق افتاد بدین جهت نفوذ بنیادگرایی عنصر بی‌ثباتی را به سین کیانگ آورده و اسلام‌گرایان تندرو به یک نیروی سیاسی در مقابل جامعه دوست تبدیل شده اند. (گوانجنگ، ۱۳۸۲: ۲۲۲-۲۲۵)

منطقه سین کیانگ یکی از مهمترین مناطق کشور چین از نظر برخورداری از منابع نفت خام است و مهمترین مسیر انتقال انرژی روسیه و کشور های آسیای مرکزی به بخش های شرقی و پر جمعیت چین است که نیاز فراوانی به واردات انرژی دارد از این رو تامین امنیت خطوط انتقال انرژی همواره یکی از مهمترین دغدغه های رهبران چین در این منطقه بوده است. از نظر ترکیب جمعیتی ساکنین این منطقه را ترک های مسلمان اویغوری تشکیل می دهند که از نظر قومی و مذهبی با جامعه چین تفاوت دارند که ریشه ی اصلی ناآرامی های این منطقه همین موضوع است. مخالفان حکومت چین در سین کیانگ دولت مرکزی را متهم می کنند که به منظور تغییر در ترکیب قومی این استان و محو فرهنگ بومی آن ((هان))ها را در مهاجرت در این بخش از چین تشویق کرده اند. مسلمانان ساکن استان سین کیانگ دولت چین را به تلاش برای نابودی خصوصیات فرهنگی خود متهم می کنند و برخی سازمان های تندرو این بخش از چین خواستار جدایی سین کیانگ و ایجاد کشور مستقل ترکستان در این منطقه هستند البته ریشه ی این جریانات جدایی طلب به چندین دهه



قبل برمیگردد ب صورت خاص دو جریان (جنبش استقلال ترکستان شرقی) (کنگره جهانی اویغورها) به رهبری خانم رابعه غدیر را می توان از فعال ترین سازمان های جدایی طلب در منطقه سین کیانگ دانست.

دولت مرکزی چین این دو سازمان را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داده است به هر روی منطقه سین کیانگ همواره صحنه اعتراضات قوم اویغور بوده است هرچند به دلیل کنترل شدید امنیتی دولت چین این اعتراض همیشه حالت آشکار و خیابانی نداشته است اما به مانند آتش زیر خاکستری دولت مردان چینی را تهدید می کند. جولای ۲۰۰۹ یکی از فرصت هایی بود که اویغور ها برای نشان دادن عمق اعتراضات خود به دولت مرکزی چین نشان دادند مسلمانان اویغور به فشار های سیاسی و مذهبی دولت مرکزی چین تهدید پوشش مبارزه بر علیه تروریسم اعتراض دارند. این درگیری ها شدید ترین نوع شورش قومی بوده است که از انقلاب فرهنگی چین بین سال های ۱۹۶۶ و ۱۹۷۶ تاکنون به وقوع پیوسته است (کوزه گر کالجی- ۱۳۸۸:۲۵)

در زمان حکومت طالبان در افغانستان، گروه های اویغور نیز کمپ های خود را در این کشور بر پا کردند و زیر نظر طالبان آموزش های نظامی دیدند. این گروه با عنوان «جیش اسلامی ترکستان شرقی» شناخته می شوند. البته باید توجه داشت مشکلی که چین با گروه های جهادی دارد تنها به تلاش آنها برای جدایی طلبی در سین کیانگ مربوط نمی شود بلکه به دولت ها و حکومت هایی که چین با آنها روابط تجاری و اقتصادی در منطقه آسیا مرکزی دارد را نیز شامل می شود.

در همین رابطه باید توجه داشت که حدود ۴۰۰ هزار اویغور در قزاقستان و قرقیزستان یکی از مسائل مهم برای امنیت سین کیانگ است و ناآرامی در این کشور همواره مشکلاتی را در روابط دوجانبه چین با قرقیزستان ایجاد کرده است. شورش های سین کیانگ در سال ۲۰۰۹، چین را مجبور کرد موقعیت خود را مورد بازنگری قرار دهد که با افزایش کنترل نظامی سین کیانگ همراه شد. همچنین وقتی رژیم طالبان در افغانستان سقوط کرد اولین دغدغه چین محافظت از منافع امنیتی خود و محدود کردن نفوذ طالبان و القاعده در منطقه بود. وقایع ۲۴ اوریال ۲۰۱۳ در سین کیانگ که به کشته شدن ۲۱ نفر انجامید و به اقدامات تروریست ها در این منطقه نسبت داده شد شاهد دیگری بر این موضوع بود که مسائل امنیتی استان سین کیانگ همواره با تجزیه طلبی و موضع تروریسم گره خورده است. (عزیزی، ۱۳۹۵، ۷۱-۷۰)

مسئله ی مرزی سین کیانگ و کشورهای آسیای مرکزی بُعد دیگری از چالش های امنیتی چین در منطقه به شمار می رود. تأمین امنیت مرز ۳۳۰۰ کیلومتری با قزاقستان، قرقزستان و تاجیکستان برای چین از اهمیت فراوانی برخوردار است. پس از فروپاشی شوروی و خلأ قدرت در منطقه، با توجه به جدایی طلبی اویغوها و همچنین پیوندهای قومی، حل مسایل مرزی به عنوان یکی از مهمترین دغدغه های چین تبدیل شد. در زمان حل و فصل مسائل مرزی با کشورهای آسیای مرکزی، چین سیاسی را در پیش رگفت که مبتنی بر توافق و تراضی بود و به این ترتیب توانست حمایت این کشورها را در مخالفت با جدایی طلبی اویغورها جلب کند. این موضوع به نحوی عامل اولیه شکل دادن به سازمان همکاری شانگهای نیز بود (Xuanli, 2006: 62)

افزون بر این مسئله سین کیانگ یکی از مهم ترین عواملی بود که چین را به افزایش کمک های نظامی و تسلیحاتی خود به آسیای مرکزی و توسعه همکاری ها در این حوزه سوق داده است. تلاش برای جلوگیری

از توسعه تهدیدات امنیتی بر آمده از سه عامل افراط گرایی، تجربه طلبی و تروریسم پس از خروج آمریکا از منطقه، چین را حتی بیش از گذشته در عرصه ی نظامی و امنیتی آسیای مرکزی فعال کرده است. در سپتامبر ۲۰۱۴ چین با اعطای ۱۶ میلیون دلار کمک نظامی جدید به قرقیزستان موافقت کرد.

ساخت چند پادگان و اعطای کمک های نظامی جدید و تاجیکستان نیز از اقدامات چین بود. پیش از آن و در ماه اوت ۲۰۱۴، بزرگترین رزمایش تاریخ سازمان همکاری شانگهای در منطقه خود مختار مغولستان داخلی چین با حضور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان برگزار شده بود (عزیزی، ۱۳۹۵: ۷۲).

دولت های آسیای مرکزی از یک سو دارای ارتش های به نسبت ضعیف هستند و از سوی دیگر با یک رشته از تهدیدهای امنیتی مواجه می باشند. مسائل فوق با توجه به حساسیت های چین نسبت به نهضت ها و حرکت های اسلامی در آسیای مرکزی که خطری بالقوه برای ناحیه سین کیانگ محسوب می شود باعث خواهد شد چین نسبت به هر گونه تحرکی در منطقه کاملاً هوشیار باشد. بر این اساس برخوردهای احتمالی دولت چین با حرکت های اسلامی و همچنین جنبش های جدایی طلبانه می تواند به نوعی باعث تأمین امنیت کشورهای آسیای مرکزی نیز گردد (سنایی، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۳).

چین به عنوان یک کشور سکولاریت همیشه به نسبت به سنن دینی بویژه اسلام بسیار حساس بوده. در اواخر دههی ۱۹۹۰ و بویژه پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر لفاظی دولت بر آن شد تا دانش و هویت اسلامی را با جدایی طلبی خشن قومی و اخیراً افراط گرایی و تروریسم برابر کند. بنابراین حق اوغورها برای دستیابی به دانش و عمل به اسلام بطور فزاینده ای محدود و کاهش یافته است. حوادث ۱۱ سپتامبر تأثیر بسزایی در بدرفتاری و سختگیری های بیشتر دولت مرکزی حزب کمونیست چین نسبت به اوغورهای مسلمان سین کیانگ داشت. اگر در سیستم آموزش چینی فضای قابل توجهی برای دین وجود داشته باشد در مؤسسات مذهبی است که توسط سازمان های مختلف مذهبی مهمی اداره می شود و هدف آنها آموزش مقامات و دانشمندان است که در مشاغل مرتبط با دین کار می کنند. مهمترین وظیفه این مدارس پرورش جمعی از متخصصان دینی جوان است که میهن پرست، حمایت از سوسیالیسم و وفادار به حزب کمونیست هستند. مقررات حاکم بر آموزش مدارس دینی بطور جداگانه توسط شورای دولتی تدوین می شود. مطابق ماده ۸۲ قانون آموزش جمهوری خلق چین سختگیری های دولت چین نسبت به اکثریت مسلمان منطقه سین کیانگ باعث جذب برخی جوانان اوغور به گروه های تروریستی نظیر داعش و احرارالشم گردید.

## ۶- ابعاد بین المللی رفتار چین با مسلمانان سین کیانگ :

در طی چند سال اخیر گزارش های وحشتناک از بازداشت گسترده در سین کیانگ چین منتشر شده است کمیسیون اجرایی کنگره درباره چین در گزارش سال ۲۰۱۸ خود تخمین می زند که بین ۱/۱ میلیون تا ۸۰۰ هزار نفر عمدتاً اوغورها در حال حاضر در مراکز آموزش سیاسی نگهداری می شوند که بنا بر نظر معاون وزیر دفاع ایالات متحده می تواند تا ۳ میلیون نفر نیز باشد. مقامات چین در ابتدا انکار ولی بعداً اذعان کردند که این امکانات با هدف تدریس در درجه ی اول اوغورها برای بازآموزی سیاسی بخشی از تلاش گسترده تر برای مقابله با افراط گرایی مذهبی می باشد.

جامعه بین الملل با محکومیت شدید آزار و اذیت چینی ها از اویغورها واکنش نشان داد چهره های مختلفی در دولت آمریکا از جمله معاون رئیس جمهور مایک پنس اقدامات پکن را به شدت محکوم کردند. ۹ چهره اجرایی و همچنین اعضای کنگره خواستار اعمال تحریم علیه مقامات بلند پایه چین از جمله چین کوانگو که مسئول انجام این جنایات هستند شدند و حتی خواهان بازنگری در برگزاری المپیک زمستانی ۲۰۲۲ توسط دولت چین شدند. از نظر آمریکا بحران حقوق بشر در سین کیانگ یکی از جدی ترین چالش های حقوق بشری در حال وقوع است.

رئیس جمهور آمریکا مصوبه کنگره این کشور مبنی بر تحریم برخی مقام های چین به دلیل سرکوب اقلیت مسلمان اویغور را امضاء کرد. به گزارش خبرگزاری آلمان، این قانون انگیزه موارد نقض حقوق بشر اویغورها و سایر اقلیت ها در چین مانند بر پا کردن اردوگاه های تربیتی و کار اجباری برای آنان را تلاش برای ریشه کن ساختن هویت قومی و اعتقادات مذهبی آنان می داند. (18.86:2020)

کمیته سازمان ملل برای رفع تبعیض نژادی دو گزارش را در آگوست ۲۰۱۸ منتشر کرد:

۱- بازداشت تعداد زیادی از اویغورها و سایر اقلیت های مسلمان به بهانه مقابله با افراط گرایی مذهبی.

۲- محدودیت در سفر ساکنان سین کیانگ ۳- اسکن تلفن های همراه و جمع آوری اجباری داده های بیومتریک.

در گزارش سال ۲۰۱۸ دیده بان حقوق بشر به دستگیری خودسرانه جمعی، شکنجه و بدرفتاری با مسلمانان سین کیانگ اشاره شده است که چین در حال جمع آوری داده های بیومتریک (DNA - اثرانگشت) از ساکنان منطقه است.

عفو بین الملل نیز بطور مشابه در مورد محدودیت های اعمال شده برای اقلیت های قومی گزارش های مختلفی داده است. دولت انگلستان از چین می خواهد که به ناظران سازمان ملل اجازه دسترسی سریع و بی وقفه برای سفر به سین کیانگ را بدهد. همچنین نگرانی جدی خود را از سرکوب و آزار اقلیت های قومی و مذهبی اویغور ابراز کرده است. شکاف فزاینده اقتصادی بین استان های ساحلی و مناطق غربی با وجود پیشرفت های عظیم چین مشهود است و دولت چین از موقعیت در حال رشد و توسعه خود برای دفاع از انتقادهای حقوق بشری استفاده می کند. دولت مقررات سختگیرانه ای را برای سازمان های غیردولتی وضع می کند زیرا می ترسد که آنها یک منبع بالقوه ناآرامی های اجتماعی از طریق بسیج سیاسی مردم باشند.

## ۷- سیاست خارجی چین در قبال کشورهای همجوار با سین کیانگ

### ۷-۱- چین و ازبکستان

در این کشور که در حدود ۹۰٪ از ساکنان آن را مسلمانان تشکیل می دهند حکام کشور به بهانه مبارزه با تروریسم محدودیت های شدیدی را بر مسلمانان تحمیل کرده اند. در شرایط کنونی دولت برآموزشهای دینی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان کنترل شدیدی داشته و امامان مساجد نیز تحت نظارت مأموران امنیتی

قراردارند. ۱۶ موارد بارز نقض حقوق اولیه دینی مردم در ازبکستان در قانون امور دینی این کشور بوضوح رویت میگردد. ماده هشت قانون امور دینی ازبکستان هر گونه فعالیت دینی را منوط به اخذ مجوز از نهادهای قضایی دولتی نموده و این ماده یکی از موانع مهم فعالیت نهادهای مذهبی در ازبکستان به حساب می آید. ماده ۱۰ قانون مذکور نیز آموزش دین توسط نهادهای خصوصی را ممنوع اعلام کرده است. براساس عقیده دولتمردان ازبکستان هر گروه اسلامی ثبت نشده بصورت بالقوه یک گروه تروریست می باشد. علاوه بر این ورود کلیه متون مکتوب، ویدیوها و کاستهای آموزشی مذهبی به ازبکستان حتی از طرف موسسات دینی مجوز دار هم پس از بررسی و تایید کمیته امور دینی صورت می پذیرد. براساس قانون ۱۴ امور دینی ازبکستان استفاده از پوشش دینی در مجامع عمومی ممنوع است. این ماده از پوشش دینی تعریف خاصی انجام نداده است. اما برداشت غالب کارشناسان از پوشش دینی همان پوشش اسلامی می باشد. هر چند در شرایط کنونی این ماده قانونی به علت اعتراضات شدید، اجرا نمیشود اما تصویب آن از یک طرف بهانه مناسبی برای اعمال محدودیت برحجاب اسلامی ایجاد کرده و از طرف دیگر نیز عمق دین ستیزی حاکمان و محدودیت های ایجاد شده برای زندگی عادی مردم را به نمایش می گذارد (شکاری، ۱۳۸۵: ۴۵).

در اعلامیه مشترک همکاری که هوجین تائو و اسلام کری ماف در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۴ امضا نمودند، در مورد مسائل مبارزه با تروریسم و مسائل بین المللی و منطقه ای که موجب نگرانی دو کشور است، به بحث و تبادل نظر پرداختند. کریم اف در مصاحبه با رسانه های چینی خاطر نشان کرد که ازبکستان، از جدایی طلبی و افراط گرایی دینی رنج می برد و با دیدگاه های چین درباره حمایت از ثبات و امنیت منطقه همسو است. اسلام کریم اف رئیس جمهور ازبکستان بعد از شورش در شهر اندیجان در شرق ازبکستان، از چین دیدار کرد. طرفین ۱۴ موافقت نامه در طول این سفر امضا کردند. به اعتقاد ناظران، این دیدار به این معنی بود که اگر کریم اف تصمیم بگیرد علیه مخالفان محلی و افراط گرایان اسلامی شدید و جدی برخورد کند، چین هیچ اعتراضی نخواهد داشت. این اتفاقات در ازبکستان در ۲۰۰ کیلومتری مرز چین که مسلمانان در آنجا زندگی می کنند، رخ داد.

یک سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرد دولت چین سخت حامی تلاش های دولت ازبکستان در جهت متوقف کردن تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی است. هوجین تائو و اسلام کریم اف یک اعلامیه مشترک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۴ امضا کردند و اعلام شد هر دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم، توافق دارند که تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی هنوز تهدیدهایی را برای امنیت و ثبات منطقه ای ایجاد می کنند. طرفین ب هم منظور ایجاد صلح و آرامش در هر دو کشور و در منطقه، توافق کردند که در مورد نیروی تروریستی ترکستان شرقی سختگیری بیشتری اعمال کنند. این کار بخشی عمده از عملیات ضد تروریستی بین المللی است و نیز همکاری در جهت مبارزه علیه اشکال مختلف بنیادگرایی مذهبی که یک تهدید عملی برای صلح و ثبات منطقه است. طرفین معتقدند و تأکید می کنند که ثبات و امنیت در آسیای مرکزی بسیار با شرایط افغانستان مرتبط است. چین قویاً بمب گذاری های تروریستی پایتخت ازبکستان را محکوم کرد (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

بی‌تردید جنگ داخلی تاجیکستان و هراس از گسترش بنیادگرایی اسلامی در شکل‌گیری سازمان شانگهای تأثیر جدی داشته است. اسلامگرایی در سه سطح در آسیای مرکزی قابل بررسی است: شرایط داخلی، رقابتها و منازعات این کشورها، و علایق و ملاحظات بازیگران فرامنطقه‌ای و برخی از رهبران و نیز مسامحه برخی دیگر، از سوی نخبگان این کشورها به عنوان زمینه‌های رشد این گرایشها بررسی شده است. به هر حال برای بازماندگان نظامهای کمونیستی در آسیای مرکزی مبارزه با اسلام‌گرایان، به ابزار مناسبی تبدیل شده تا روند گسترش آزادیهای مردم با محدودیتهای جدی مواجه شود (کولایی، ۱۳۸۵: ۳۲).

دو کشور چین و تاجیکستان در مه ۲۰۰۶ در شانگهای، برای سرعت بخشیدن به همکاری در مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی، به توافق رسیدند. دو کشور اعلام کردند سخت‌گیری مشترک خود را در مورد قاچاق مواد مخدر، ادامه خواهند داد. در دیداری که در ژوئن ۲۰۰۴، هوجین تائو با رئیس‌جمهور تاجیکستان داشت اشاره کرد که چین دوست دارد در این امور با تاجیکستان همکاری کند: تقویت همکاری دو جانبه در اجرای قوانین، ایجاد تمهیدات حقوقی و امنیتی و مبارزه با سه نیروی شر و نیز قاچاق مواد مخدر، همکاری در زمینه توسعه مکانیسم سازمان همکاری شانگهای و... (سلیمان پور و آخشی، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

در سال ۲۰۱۴ نشست دوشنبه در تاجیکستان، چهاردهمین دوره سازمان همکاری شانگهای برگزار گردید. در این نشست شی جین پینگ<sup>۲</sup>، رئیس‌جمهور چین بر اولویت چین در مبارزه با تروریسم تأکید کرد. وی در این نشست پیشنهادهایی ارائه کرد؛ مسئولیت حفظ امنیت و ثبات منطقه ای را مسئولانه به عهده می‌گیریم، ساز و کارهای مناسب برای حفظ ثبات را تقویت می‌کنیم و به نظام همکاری برپایه الزامات حقوقی و امنیت ادامه می‌دهیم ساز و کارهای همکاری موجود را ارتقا داده و به ساختار ضد تروریسم منطقه ای، عملکرد کنترل مواد مخدر را در اسرع وقت اضافه کنیم و مرکز واکنش به چالش‌های امنیتی و تهدیدها را ایجاد می‌نماییم تا مشکلات موجود را حل و ریشه مشکل‌ها را نابود کند و اقدام‌های مقتضی همزمان و هماهنگ علیه سه نیروی شیطانی اعمال گردد (دهشیری و نشاسته سازان، ۱۳۹۵: ۷۸). در آوریل ۲۰۱۴ چانگ وانکوانگ، وزیر دفاع چین اعلام کرد، چین صدها میلیون دلار برای آموزش نیروی پلیس تاجیکستان هزینه کرده است. چین طی سال‌های اخیر دیدارهای نظامی از کشورهای آسیای مرکزی و به خصوص اعزام افسران نظامی به کشورهای آسیای مرکزی را در دستورکار خود قرار داده است (سوانستروم، ۲۰۱۵: ۷).

### ۳-۷- چین و قرقیزستان

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در تاریخ ۸۵/۳/۲۰ (۲۰۰۶م) با امضای ۱۳ موافقت‌نامه همکاری، رهبران چین و قرقیزستان برای مبارزه با تروریسم متعهد شدند. هوجین تائو در این دیدار گفت دو طرف باید در مبارزه با تروریسم (در همه اشکال آن که شامل حرکت ترکستان شرقی هم می‌شود در چارچوب سازمان همکاری شانگهای)، تجزیه طلبی و افراط‌گرایی و جنایات فرامرزی، همکاری کنند. طرفین موافقت کردند که در مورد نیروهای حرکت ترکستان شرقی، سخت‌گیری بیشتری کنند که این خود بخش عمده ای از مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی است. آن‌ها اعلام کردند تا با اعضای دیگر سازمان همکاری شانگهای

<sup>2</sup> -Swanström

همکاری کنند و مسئولیت‌های مهم و اساسی‌ای را در مبارزه با «سه شر» و نیز مبارزه با قاچاق دارو و مهاجرت غیرقانونی و جنایات فرامرزی به عهده بگیرند (سلیمی و هفت آبادی، ۱۳۸۷: ۹۹).

در زمینه اقدامات عملی چین در مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی می‌توان به کمک‌های نظامی این کشور اشاره کرد. چین در کنار تاکید بر ترتیبات دسته جمعی در آسیای مرکزی در چارچوب پیمان شانگهای، تلاش کرده است به کشورهای آسیای مرکزی کمک‌های نظامی برای افزایش ضریب امنیت منطقه ارائه کند. در همین راستا، چین کمک‌های نظامی به تاجیکستان و قرقیزستان را گسترش داد. در سپتامبر ۲۰۱۴ نیروهای مسلح قرقیز اعلام کردند، کشور چین حدود ۱۰۰ میلیون یوان به این کشور کمک نظامی کرده است. البته در کنار آن باید به ساختمان و تاسیسات نظامی اشاره کرد که چین در قرقیزستان برای افسران نظامی آن کشور ایجاد کرده است (سوانستروم، ۲۰۱۵: ۷).

#### ۴-۷- چین و قزاقستان

نمایندگان کشورهای چین، قرقیزستان و تاجیکستان به امضای طرح مانور مشترک ضد تروریسم اقدام کردند و بر اساس آن در منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ چین رزمایشی تحت عنوان تیان شان ۲۰۱۲-۲۰۱۱ برگزار شد. مقدم بر این رزمایش، نخستین تمرینات نظامی تیان شان در ماه اوت سال ۲۰۰۶ میلادی در استان آلمانی قزاقستان و شهر ایتی سین کیانگ برگزار شد (سلیمان پور و آخشی، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

#### ۵-۷- چین و ترکمنستان

در ملاقاتی که هوجین تائو و نیازاف در پکن داشتند هو گفت دو طرف باید در مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط طلبی، همکاری کنند تا امنیت و ثبات داخلی و منطقه‌ای را حفظ کنند. نیازاف در مصاحبه تلویزیونی که در تاریخ ۲۰۰۶/۱/۴ انجام داد، گفت ما در زمینه مبارزه با تروریسم با چین همکاری می‌کنیم. ما توافقنامه‌هایی در زمینه مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۰۲ با چین امضا کردیم. لازم به ذکر است که نیازاف در سفر ۶ روزه خود به چین، یک مجموعه توافق‌ها امنیتی و اقتصادی با رهبران چین به امضا رساند. یکی از این توافقات ترکیب و متحد کردن نیروهای دو کشور در مبارزه با تروریسم در همه شکل‌هایش (که شامل گروه ترکستان شرقی هم می‌شود) بود. در ۱۷ آوریل ۲۰۰۶ در اعلامیه‌ای که نیازاف و هوجین تائو امضا کردند، دو کشور متعهد شدند تا برای ریشه کن کردن آنچه که آنها آن را سه نیروی شر می‌خوانند، با هم همکاری کنند. اما هدف اولیه این تعهد و التزام آشکار است و آن جنبش جدایی طلب ترکستان شرقی است که در جستجوی جدایی و استقلال از چین می‌باشد (سلیمی و هفت آبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). در سپتامبر ۲۰۱۳، زمانی که شی جین پینگ از قزاقستان دیدن کرد، فکر تشکل مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم توسط چین و آسیای مرکزی را مطرح کرد. ماه بعد، زمانی که از آسیای جنوب شرقی دیدار کرد، پیشنهاد تاسیس جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم توسط چین و آسه آن را مطرح کرد. دو پیشنهاد با هم، مفهوم یک کمربند یک جاده را ایجاد نمود، ابداع راهبردی که در پی اتصال قاره اوراسیا،

گسترش همکاری های اقتصادی و یکپارچگی با کشورهای که طی مسیر قرار دارند؛ بود. طرح یک کمر بند یک جاده در دیدار «همکاری اقتصادی آسیا پاسفیک» توجه ها را به خود جلب کرد (کالاها، ۲۰۱۶: ۲۴۶).

با توجه به موارد ذکر شده در این نوشتار فرضیه این مقاله مبنی بر اینکه راهبرد دولت چین در بعد داخلی برای کنترل و مهار جدایی طلبی در منطقه سین کیانگ در درجه اول سرکوب و شدت عمل نظامی در برخورد با ناآرامی ها و در درجه دوم کمک به رشد و توسعه اقتصادی منطقه در کنار کوچ دادن ((هان)) ها و تغییر ترکیب جمعیتی همراه با سیاست های آموزشی جدید می باشد در بعد بین المللی و منطقه ای تقویت روابط اقتصادی با کشور های آسیای میانه-سرمایه گذاری وسیع اقتصادی به خصوص در بخش های نفت و گاز-طرح جاده ابریشم-استفاده از سازمان همکاری شانگهای و در مجموع تلاش برای ایجاد ثبات در کشور های همجوار سین کیانگ دنبال کرده است.

در این میان ایالات متحده آمریکا و کشور های اروپایی به خصوص غربی همواره دولت چین را به نقض حقوق بشر و سرکوب آزادی های اساسی مردم سین کیانگ متهم می کنند که پاسخ دولت چین تکذیب نقض حقوق بشر در منطقه و اعتراضات دول غربی را مداخله در امور داخلی خود می داند.



بوزان، باری و ویورالی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت ها، ترجمه رحمان قهرمانپور؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

خانی، محمد حسن و شاه محمدی، پریسا و سلطانی، محمد جواد (۱۳۹۲). تاثیر امنیت در راهبرد اقتصادی چین در آسیای مرکزی، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۸۳.

کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۴). ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی؛ تهران اداره نشر وزارت امور خارجه.

عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۵). چین و آسیای مرکزی، امنیت در آسیای مرکزی: نفوذ منطقه ای و هژمونی بین المللی؛ تهران نشر مخاطب.

زینک، گوانچنگ (۱۳۸۲). چین و آسیای مرکزی، امنیت در آسیای مرکزی چار چوب نوین بین المللی، ترجمه محمدرضا دبیری؛ تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

سنایی، مهدی (۱۳۹۰). روابط ایران و آسیای مرکزی: روند ها و چشم اندازها، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی..

شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۵). مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی، ماهنامه ایراس شماره هفدهم.

سلیمی، حسین و هفت آبادی، مریم (۱۳۸۷). ملاحظیات امنیتی-سیاسی چین در آسیای مرکزی

(۲۰۰۵-۱۹۹۱) مرکز مطالعات عالی بین المللی شماره ۲.

کولایی، الهه (۱۳۸۵) سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی، پژوهش علوم سیاسی شماره ۳.

سلیمان پور، هادی و آخشی، مسعود (۱۳۹۴). تحلیل مقایسه ای رفتار ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی (۲۰۰۱-۲۰۱۲) فصل نامه آسیای مرکزی قفقاز شماره ۹۰.

دهشیری، محمدرضا و نشاسته سازان، محمدحسین (۱۳۹۵). راهبرد های سیاست خارجی چین و ژاپن در آسیای مرکزی، فصل نامه آسیای مرکزی قفقاز شماره ۹۷.

Dittmer, Lowell (2007). central Asia and the regional powers china and Eurasia

Forum quarterly, volume 5, No 4.

Xuanli Liao (2006), Central Aia and chinas energy security china and Eurasia forum quarryerly, vol4, No4

Swanstrom, N (2015). the security dimension of the chin—Central Asia relationship: chinas military engagement with Central Asia countries.

Collahan, w.a (2016) Chinas asia dream the belt road initiative and the new regional order Asian journal of comparative politics, 1(3)

Enos Olivia (2020).responding to the crisis in xinjiang,p7

Pritchard Mark (2020).Chinas policy on its Uighur papulation,p2

Rayilia.M (2020).the pain of a nation: the invisibility of Uyghurs in china proper,p53.

Mahmut dilmurat (2020) controlling religious knowledge and education for countering religious extremis: case study of the Uyghur Muslims china.